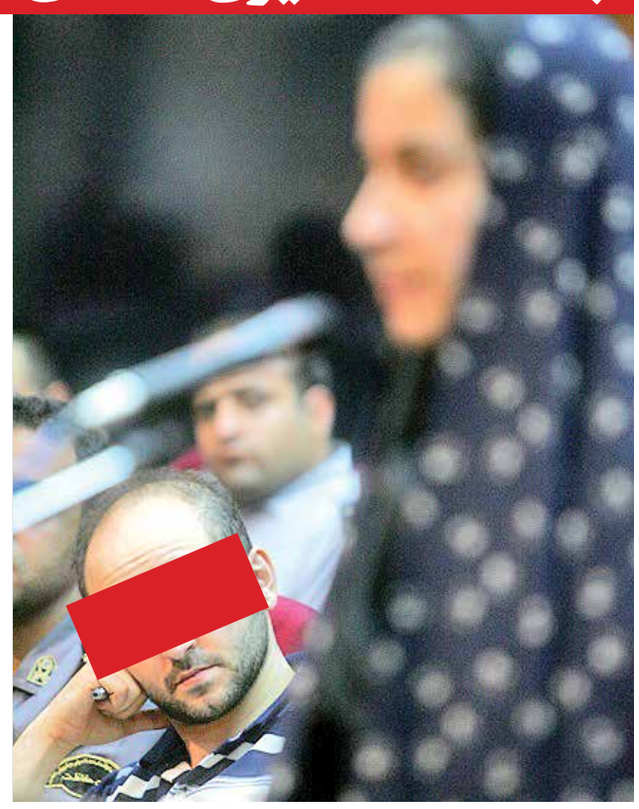
خاطره‌ای از رئیس اسبق اداره قتل پلیس آگاهی تهران

وقتی انتشار یک خبر در روزنامه ایران باعث دستگیری قاتلان شد


عکس: رضا معطریان/ ایران



گروه حوادث: مرضیه همایونی/ شاید برخی افراد با دیدن و شنیدن اخباری مانند قتل و سرقت‌های خشن و آدم‌ربایی در صفحات حوادث روزنامه‌ها یا شبکه‌های مجازی بر این باور باشند که انتشار این اخبار و روایت‌های واقعی رخ داده در جامعه باعث بدآموزی یا تشویش اذهان عمومی می‌شود، اما اگر از جنبه دیگری به این موضوع نگاه کنیم، می‌بینیم که این اخبار، هم می‌تواند باعث آگاهی‌بخشی به مردم باشد تا خودشان به چنین سرنوشتی دچار نشوند و هم انعکاس برخی از این اخبار به پلیس و دستگاه قضایی کمک می‌کند تا زودتر به کشف حقیقت و دستگیری مجرمان برسند.

در همین رابطه به سراغ نصرالله شفیقی سرهنگ بازنشسته و رئیس اسبق اداره ویژه قتل پلیس آگاهی تهران رفتیم تا یکی از پرونده‌هایی را که مربوط به قتل سریالی زنان خانه‌دار در سال ۱۳۸۴ بود و انتشار خبر آن در روزنامه ایران باعث دستگیری قاتلان شد برایمان بازگو کند. سرهنگ شفیقی می‌گوید: «۲۶ آذر سال ۸۴ بود که خبر قتل خانمی ۵۰ ساله در خانه‌اش حوالی خیابان گاندی به ما اعلام شد. بررسی جسد نشان می‌داد که دست و پای قربانی با طناب قرمز بسته شده و با چاقو به قتل رسیده بود. در ورودی خانه هم سالم بود به همین دلیل اولین فرضیه‌ای که مطرح شد، این بود که زن تنها قربانی شخصی آشنا شده است. عامل یا عاملان جنایت طلاهای او را به سرقت برده بودند.

قتل سریالی

در حالی که تحقیقات در رابطه با این جنایت ادامه داشت، روز ۶ دی همان سال گزارش قتل دیگری به پلیس اعلام شد. این بار نیز زنی تنها و میانسال با ضربات چاقو در خانه‌اش در محدوده سعادت آباد به قتل رسیده و دست و پاهایش با طناب قرمز بسته شده بود.

سرهنگ شفیقی می‌گوید: «در تحقیقاتی که صورت گرفت باتوجه به اینکه اندازه و رنگ طناب‌ها یکی بود و شیوه قتل یکسان، این احتمال مطرح شد که دو قتل از سوی یک نفر صورت گرفته و فرضیه قتل سریالی مطرح شد. از این خانه هم طلا و پول و تراول سرقت شده بود که شماره تراول‌ها را به بانک‌ها دادیم.

سرنخی از قاتلان

در ادامه تیم تحقیق متوجه شدند که هر دو قربانی از مدتی قبل خانه‌هایشان را برای فروش آگهی کرده بودند. تحقیقات ادامه داشت تا اینکه از بانکی در محدوده خیابان آفریقا با پلیس تماس گرفتند و عنوان شد که یکی از تراول چک‌های مسروقه وصول شده است. با به دست آمدن این سرنخ، هویت فردی به نام علیرضا که برای وصول تراول چک اقدام کرده بود، مشخص شد.

در همین روزها زنی به کلانتری مراجعه کرد و سرنخی دیگر از متهمان در اختیار پلیس قرار داد و گفت: «من خواننده صفحات حوادث هستم و متوجه شدم چند زن که خانه‌هایشان را برای فروش آگهی کرده بودند به قتل رسانده‌اند. من که تصور نمی‌کردم خودم یک روز گرفتار این حوادث شوم، اتفاقی برایم افتاد که زود خودم را به پلیس رساندم. من هم چون خانه‌ام را آگهی کرده‌ام، زن و مردی برای بازدید آمدند. عجیب این بود که آنها از آسانسور استفاده نکردند و بعد فهمیدم نمی‌خواستند تصویرشان در دوربین آسانسور ضبط شود. وقتی وارد خانه شدند اصلاً آشپزخانه را بازدید نکردند. از طرفی خانم جوان (اعظم) با من به اتاق خواب آمد و فقط داخل کمد دیواری را با دقت نگاه کرد. من مقابل در ورودی ایستاده بودم و یک لحظه صدای نفس‌های مرد جوان را پشت سرم حس کردم، بدون معطلی از خانه فرار کردم و خودم را به خیابان رساندم. آنها دنبالم دویدند ولی چون خیابان شلوغ بود، فرار کردند.

زن جوان به چهره‌نگاری دو متهم پرداخت و در ادامه تصویر اعظم و علیرضا به دست آمد.

ترفندی برای فریب متهمان

سرهنگ شفیقی ادامه می‌دهد: «حالا دیگر تقریباً هویت و مشخصات متهمان را داشتیم اما ناگهان خبر رسید که جنایت سوم رقم خورده است. زنی ۴۱ ساله ۱۱ دی ماه در خانه‌اش حوالی سه راه ضربخانه به قتل رسید. جنایت سوم هم مانند دو قتل دیگر بود با این تفاوت که قربانی با طناب سبز رنگی دست‌ها و پاهایش بسته شده بود. همین موضوع باعث شد ما متوجه شویم قاتل، روزنامه‌خوان است و با خواندن اخبار قتل‌هایش در صفحات حوادث روزنامه متوجه شده که پلیس به سریالی بودن قتل‌ها پی برده و حالا برای اینکه نشان دهد این قتل با دو قتل دیگر متفاوت است، این بار از طنابی با رنگ سبز استفاده کرده است. در این فاصله رد متهمان را در مشهد زده بودیم. بلافاصله با خبرنگار حوادث روزنامه ایران - در آن سال‌ها- هماهنگ کرده و از او خواستیم بنویسد که پلیس رد قاتلان را در یکی از شهرهای جنوبی کشور پیدا کرده است. با انتشار این خبر همزمان تیمی از کارآگاهان جنایی را به مشهد فرستادیم و بامداد بیست و پنجم دی ۸۴، علیرضا و سپس اعظم دستگیر شدند و تا ساعت ۱۰ صبح روز بعد حتی مالخرانی که اموال مسروقه را خریده بودند نیز بازداشت شدند و اموال مسروقه هم جمع‌آوری شد.»

سردار مرتضی طلایی که در آن زمان فرمانده انتظامی تهران بزرگ بود، پس از دستگیری متهمان در نشست خبری که با خبرنگاران داشت، لقب قاتل خونسرد به علیرضا داد چرا که او لیسانس داشت، هیچ‌گونه سابقه کیفری نداشت، از نظر روانی سالم بود، متأهل بود و پدرش تاجر فرش و دارای سه همسر بود که همسر اولش در خانه‌ای در خیابان جردن زندگی می‌کرد، همسر دوم او در خیابان فرشته و همسر سومش که مادر همین قاتل بود در سعادت‌آباد سکونت داشتند. اعظم همدست علیرضا هم دانشجوی ترم سوم رشته مدیریت بود و همراه خانواده‌اش در تهرانپارس زندگی می‌کرد.

علیرضا و اعظم که بعدها از سوی خبرنگاران به قاتلان طناب قرمز معروف شده بودند، پس از تکمیل تحقیقات در ۱۴ تیر سال ۱۳۸۵ در دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفتند. اما در دادگاه، متهمان تقصیر را به گردن دیگری انداخته و همدیگر را مرتکب این جنایات دانستند.

قاتل کیست؟

در جلسه دادگاه علیرضا مدعی شد قاتل اعظم است و او فقط دست و پای مقتولان را می‌بسته است.

قاضی در برابر این ادعا گفت: «جراحاتی که بر گردن مقتولان وارد شده کار یک زن نیست.»

متهم عنوان کرد: «اعظم چهار سال همکارم بود. البته وضعیت کاری ما فراتر از دو همکار شده بود. اعظم یکسری عکس از محافل خانوادگی و خصوصی ما به دست آورده بود و با تهدید اینکه آنها را به خانواده‌ام نشان می‌دهد، مرا تحت فشار قرار داده بود. او مرا مجبور می‌کرد همراهش برای سرقت بروم، اما ما قصد قتل نداشتیم.»

«اعظم - الف» ۲۲ ساله هم منکر قتل‌ها شد و گفت: «ما فقط رابطه کاری داشتیم و رابطه صمیمانه‌ای بین ما وجود نداشت که ایشان می‌گوید من او را اغفال و تهدید کردم تا مرتکب قتل شود. بعد از ۹ ماه به من گفت که ورشکست شده‌ام و به مدت یک ماه شرکت تعطیل بود. او فساد اخلاقی داشت و مصرف مشروبات الکلی و مواد دخانی بر این وضعیت وخیم مالی او می‌افزود تا اینکه یک روز به من گفت به خاطر اینکه وضعیت مالی‌ام خیلی بد شده می‌خواهم دست به سرقت بزنم و به من پیشنهاد داد از طریق آگهی‌های فروش منزل به قصد خرید به آنجا برویم و سرقت کنیم. من قتلی مرتکب نشدم همه کار خودش بود.»

حکم قصاص

در نهایت با توجه به مدارک و اظهارات متهمان، علیرضا از سوی قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به سه بار قصاص و اعظم به ۱۵ سال حبس محکوم شد. با تأیید این حکم در شعبه ۲۷ دیوان‌عالی کشور، قاتل طناب قرمز چهارشنبه ۱۲ دی سال ۸۵، در سالگرد آخرین جنایتش در زندان اوین به دار مجازات آویخته شد.

خبر

آزادی یک زندانی با کمک بانوی پلیس

گروه حوادث: بانوی پلیس تبریزی با اهدای بخشی از دارایی خود، به نیت حضرت ابوالفضل‌العباس(ع)، دست یک زندانی جرایم غیرعمد را گرفت تا چراغ امید در خانه‌ای خاموش نشود.

به گزارش روابط عمومی ستاد مردمی دیه کشور، در روزهایی که یک خانواده در انتظار بازگشت عزیزشان روزشماری می‌کند، اقدام انسان‌دوستانه یک بانوی جوان پلیس، مسیر آزادی یک زندانی جرایم غیرعمد را هموار کرد.

این بانوی نیکوکار با حضور در ستاد مردمی دیه آذربایجان شرقی، مبلغ ۱۴۴ میلیون تومان اهدا کرد تا زمینه آزادی یک زندانی نیازمند فراهم شود؛ بخششی که آن را به نیت حضرت قمر بنی‌هاشم، ابوالفضل العباس(ع) انجام داد.

این بانوی پلیس درباره انگیزه خود از این اقدام گفت: «این کمک را به نیت حضرت ابوالفضل العباس(ع) انجام دادم و دوست داشتم در این کار خیر سهیم باشم و بتوانم گرهی از مشکلات یک انسان گرفتار باز کنم.»

وی افزود: «شاید مبلغی که پرداخت می‌کنیم در نگاه اول فقط یک کمک مالی باشد، اما برای فردی که چشم‌انتظار آزادی است و خانواده‌ای که روزهای سخت دوری عزیز خود را سپری می‌کند، می‌تواند به معنای بازگشت امید و آرامش باشد.»

رسول تقی‌پور، مدیر ستاد دیه آذربایجان شرقی نیز با قدردانی از این اقدام ارزشمند اظهار کرد: «حضور اقشار مختلف جامعه در عرصه آزادی زندانیان جرایم غیرعمد، نشان‌دهنده زنده بودن فرهنگ ایثار، نوع‌دوستی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در جامعه است.»

وی از این بانوی نیکوکار و تمامی خیرانی که با مشارکت در آزادی زندانیان جرایم غیرعمد، چراغ امید را در دل خانواده‌های چشم‌انتظار روشن نگه می‌دارند، قدردانی کرد و گفت: «گاهی ۱۴۴ میلیون تومان فقط یک عدد نیست؛ بهای دوباره در آغوش کشیدن عزیزان، پایان شب‌های انتظار و آغاز دوباره زندگی در خانه‌ای است که چشم‌به‌راه بازگشت یکی از اعضای خود مانده است.»

بانوی پلیس تبریزی ثابت کرد که لباس خدمت، وقتی با قلبی سرشار از مهربانی همراه شود، می‌تواند فراتر از وظیفه، پناهی برای انسان‌های گرفتار باشد.

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۸۰**

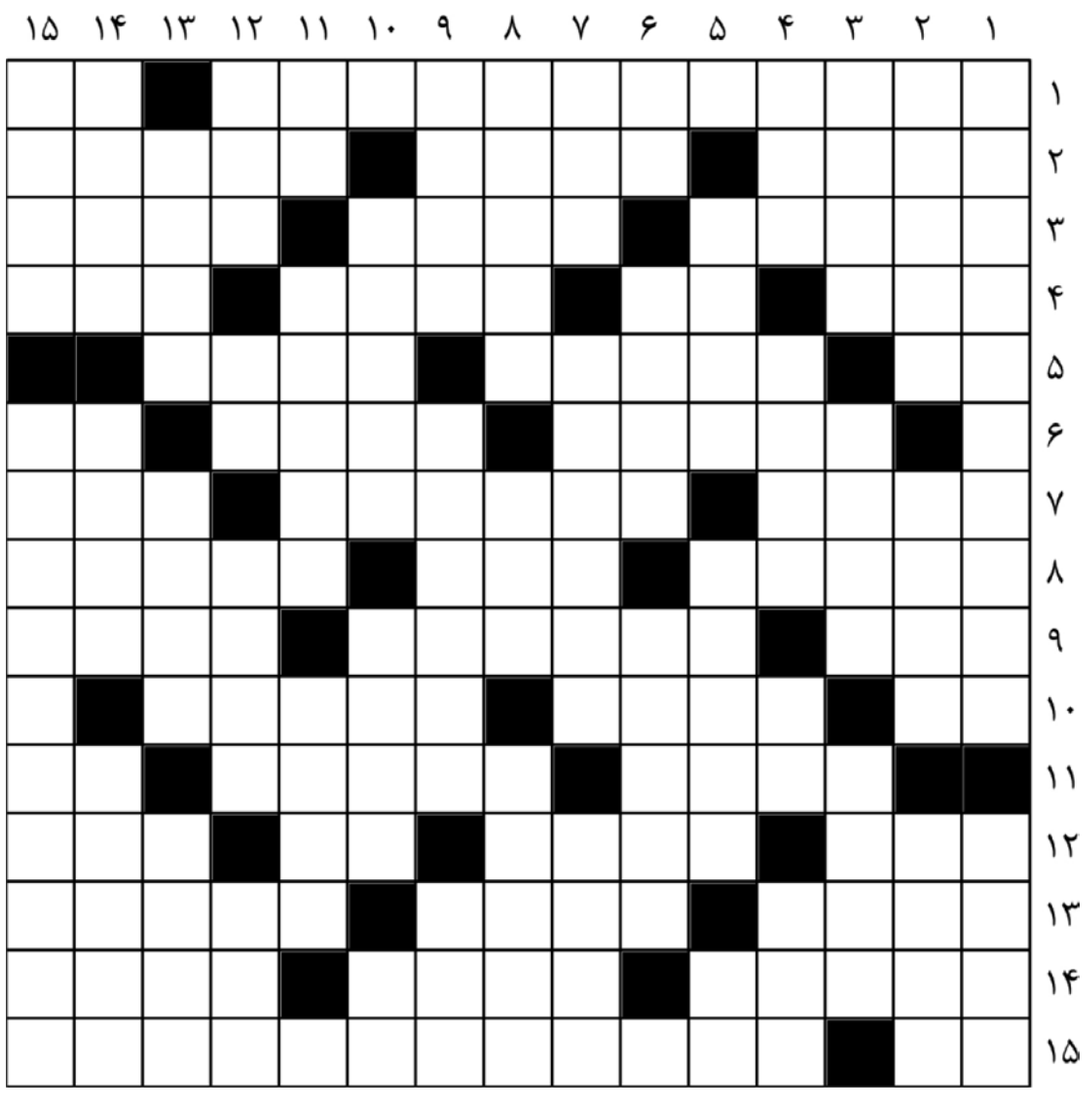
جدول عادی

افقی

۱ - کنایه از این که شخصی تمام داشته‌های خود را آشکار سازد و دیگر چیزی برای گفتن و عرضه کردن نداشته باشد - پزشکی
۲ - هوای غصه‌دار - بازی دو تیم همشهری - کارآموز
۳ - فرمانروایی، سروری - آبراه کشتیرانی - عضو تنفس ماهی
۴ - حجمی به شکل مثلث - یار «شلوار» - فرماندهان - مرکز «یونان»
۵ - نفس سوخته‌دلان - همراهی کننده - خراش بر روی زمین
۶ - هواپیمای کارتونی - شکوه - می‌خورند و ناراحت می‌شوند
۷ - ثروتمند - گلزن پرسپولیس - کشتی جنگی
۸ - برد معروف - خوب می‌برد - مورِن
۹ - تفسیر - خود - پایتخت کشور «نروژ»
۱۰ - دهن‌کجی - سخنوران و شاعران - صمیمیت
۱۱ - مرکز «جمهوری چک» - کوکب و اختر - چاشنی گوجه‌ای
۱۲ - نصیحت - نوعی فست‌فود - حرف بعد از «چ» - از جنس نی
۱۳ - کلاهبردار - واهمه - فرخنده
۱۴ - زایش و ایجاد - گل دندان! - فرود آمدن
۱۵ - نفس چاق - انکار حد و مرزی ندارد

عمودی

۱ - تدبیر - تپه و تل
۲ - فرزند نتیجه - دستوری - گاز کمیاب
۳ - خانه‌های عکس - زخم‌ها - قسمتی از دستگاه کنترل اتومبیل
۴ - ساکت! - وسط - واحد مساحت - تماشا
۵ - سخن گفتن - صندوق یونولیتی - داخل صدف می‌توان یافت
۶ - فعلی ربطی - پیروی کننده - سایت
۷ - عقل و فهم - شیرینی رمضان - سوغات تابستان
۸ - اصرار - همان «یورش» است - پرستیدن
۹ - پست‌فطرت - التهاب در پارانشیم کبد - مجلس شیوخ
۱۰ - بایگانی - پیوند ازدواج - مایه حیات
۱۱ - حرف روسی - شبه‌جزیره‌ای در غرب اروپا - نمایشنامه غم‌انگیز
۱۲ - قله زاگرس - اسب آذری - خواهر مادر - اتومبیل گران‌قیمت
۱۳ - اصل و نژاد - پادشاه ساسانی - عقیم
۱۴ - محله‌ای در تهران - ناآگاه - نام مردانه
۱۵ - حبوبات - وسیله نقلیه پُرخطر!



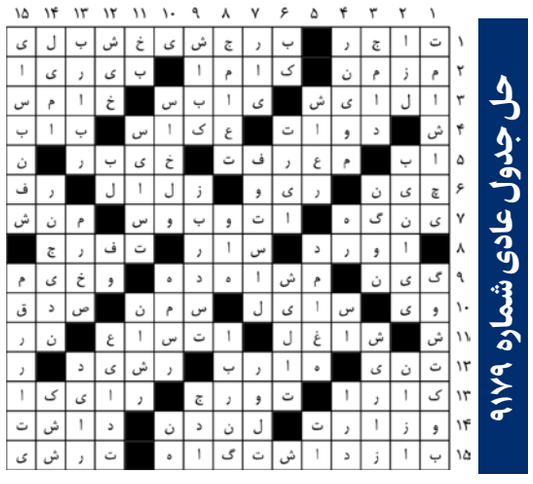
جدول ویژه

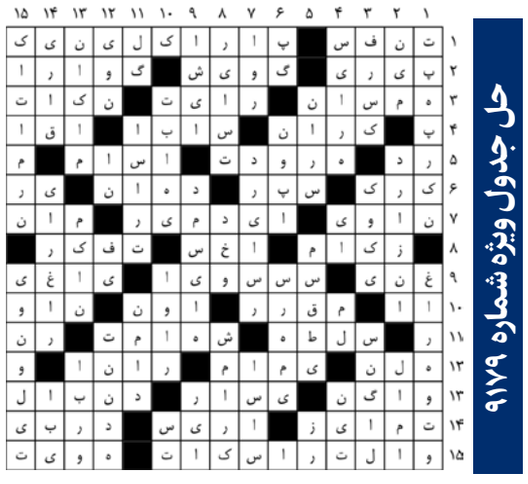
افقی

۱ - نایاب است! - مرد روحانی مسیحی
۲ - بالای چشم - دختر گشتاسب - پشت سر
۳ - درمان کننده - خوراکی سرد - روایت کننده
۴ - نوعی بستنی - بوی زننده رطوبت - فرق سر - چاپار
۵ - ضد «خوب» - سال ۳۶۶ روزی - نام «رودریگز» ستاره کلمبیایی
۶ - الهه هندی - بیماری درختان - مارکی بر لوازم خانگی
۷ - واسطه معامله - ستاره‌شناس و اقتصاددان لهستانی - میان‌تهی
۸ - عامل بیماری‌زا - حشره پشم‌خوار - نام زنانه خارجی
۹ - گوارا - هواپیمای مسافربری - درازش نشانه پرگویی است
۱۰ - رنجوری - ابزار باغبانی - شبان
۱۱ - آشنا - اسم پسرانه - خودم!
۱۲ - رنگ خون - کرم خونخوار - بس - نوبت بازی
۱۳ - به دست آوردن - زدنی نارفیق - ضد «سختی»
۱۴ - صفار - رایت - الهه عشق و جمال
۱۵ - مساوی عامیانه - اثر «ویکتور هوگو»

عمودی

۱ - بازیگر سریال در حال پخش «بدنام» - خوراک روزه‌داری
۲ - کتاب «پرل اس باک» - گونه‌ای موسیقی - شهر استان کرمان
۳ - ساکت - شرکتی هواپیمایی - متعلق به خود فرد
۴ - بسته‌بندی استوانه‌ای - واحد وزن - سنگریزه - ظرف شستن لباس
۵ - تکان - نام دخترانه - همسر «اسکارلت»
۶ - عدد حرکت - حالا - مساوی و برابر
۷ - نشانه فعل استمراری - غذای روسی - ناچار
۸ - جرثومه - حقه - قناتی در روستای «طاقانک» شهرکرد
۹ - پایتخت «پرو» - باتری - برآمدگی و آماس
۱۰ - بی‌حسی - از هفت‌سین‌ها - دوال چرمی
۱۱ - نفس غنیمتی - ای کاش - رسم مغولی
۱۲ - کلمه تنبیه - از مارک‌های معتبر و شناخته شده کرم پودر - نقصان در وزن - غذای مریض
۱۳ - عقب - روستا و ییلاق نزدیک آمل - عاقل
۱۴ - پرنده‌ای کوچک و شکاری - بشارت - عملیات جنگی آزمایشی
۱۵ - از امراض پوستی - نوعی نوشتار ادبی


حل جدول عادی شماره ۹۱۷۹


حل جدول ویژه شماره ۹۱۷۹